تأثیر دو رویکرد الهیاتی و متن‌گرا بر اخلاق زیستی

دکتر محمد راسخ*[1]، امیرحسین خداپرست[2]

۱- گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۲ -گروه حقوق و اخلاق زیستی، پژوهشگاه ابن‌سینا

(تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱)

چکیده

زمینه: کاربرد علوم و فنّاوری‌های نوین زیستی و پزشکی در جوامع انسانی در دهه‌های اخیر موجب تغییر نگرش‌های دینی و اخلاقی سنتی شده است. استفاده از این فنّاوری‌ها مباحث اخلاقی و دینی بی‌سابقه‌ای را شکل داده است که جز با توجه به بنیادهای داوری اخلاقی موجه و مفید نخواهند بود. این مسئله به‌ویژه در جوامعی مانند جوامع اسلامی قابل توجه است که دین در آنها نقشی قابل توجه در شکل‌دهی به باورهای اخلاقی و قواعد و مقررات حقوقی دارد.

روش کار: این پژوهش با روش تحلیل فلسفی انجام شده است و داده‌های آن از طریق منابع چاپی مانند کتاب، مقاله و منابع اینترنتی از زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی گردآوری شده است. در نگارش مقاله، ضمن تحلیل مفهوم‌های اساسی همچون «دین» و «اخلاق»، تلاش شده است موضوع به صورت مقایسه‌ای، از منظر تفکر فلسفی غربی و اندیشهٔ اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌ها: پژوهش حاضر می‌کوشد با در نظر داشتن تحولات جدید بیوتکنولوژیک و مسائل هنجاریِ برآمده از آنها ارتباط نگرش‌های دینی و اخلاقی به این مسائل را بررسی و اعتبار اقسام نظریه‌پردازی‌های اخلاقی- دینی دربارهٔ مسائل اخلاق زیستی را بسنجد. همچنین تلاش می‌کند ضمن طرح و ارزیابی نگرش‌های الهیاتی و متن‌گرا به اخلاق زیستی، نگرشی سنجیده به مسائل اخلاق زیستی، از منظری دینی، فراهم کند.

نتیجه‌گیری: دستورالعمل‌های اخلاق دینیِ رایج میان دینداران در زمینهٔ اخلاق زیستی می‌تواند در کنار دستورالعمل‌های عرفی دربارهٔ آن قرار گیرد و سنجیده شود. اما توجیه عقلانی این دستورالعمل‌ها در سطح نظریهٔ اخلاقی و فلسفهٔ اخلاق صورت می‌گیرد که مستقل می‌نماید. احکام شرعی در حوزهٔ مسائل زیستی می‌توانند با وجههٔ نظر قرار دادن اخلاق و عدالت صادر شوند. این احکام، هم اخلاقی و عادلانه و هم مستند به تعالیم دینی خواهند بود.

کلید واژه‌ها:اخلاق زیستی، رویکرد الهیاتی، رویکرد متن‌گرا، عدالت.

سرآغاز

اخلاق و دین دو رکن اصلی همهٔ فرهنگ‌های بشری‌اند و از دیرباز با یکدیگر در تعامل بوده‌اند. برخی متفکران اخلاقی جدید بر آن‌اند که درک معنای دقیق مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی آنگاه میسر خواهد بود که آن مفاهیم را در پرتو تعالیم دینی بررسی کنیم(۱). از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از تعالیم دینی را نگرش‌ها و داوری‌های اخلاقی تشکیل می‌دهند و تصور پدیدهٔ

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: m-rasekh@sbu.ac.ir

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

دین بدون این نگرش‌ها و داوری‌ها ناممکن است. دین نقشی قابل توجه در شکل‌دهی به باورها و رفتارهای اخلاقی و در برخی جوامع، قواعد و مقررات حقوقی دارد و اخلاق دینی با معرفی یک ضامن مقتدر برای قواعد اخلاقی و بسط و به‌روزکردن هنجارهای خود با توجه به مسائل جزئی و جدید مدعی ارائهٔ یک الگوی اخلاقی مطلوب است.

گسترش مسائل اخلاقی جدید و بی‌سابقه در جهان امروز موجب شکل‌گیری شاخه یا سطحی جدید از اخلاق با نام «اخلاق کاربردی»[1] شده است. یکی از زمینه‌های پرمناقشه و مهم اخلاق کاربردی «اخلاق زیستی»[2] است که به بررسی مسائل اخلاقی برآمده از پیشرفت‌های حاصل در علوم و فنّاوری زیستی و تأثیر آنها بر زندگی موجودات زنده، به‌ویژه انسان‌ها، می‌پردازد. اخلاق دینی، چنانکه در دیگر زمینه‌های اخلاقی جدید، در اخلاق زیستی نیز دیدگاه‌های مهم و تأثیرگذار دارد. این دیدگاه‌ها، هم از نگرش‌های اخلاقیِ عرفی و عقلانی تأثیر می‌پذیرند و هم بر سیر مباحث اخلاقیِ عرفی و عقلی مؤثر می‌افتند. موضوع این مقاله بررسی ارتباط «اخلاق زیستی» و «دین» و ارزیابی اخلاقیِ نگرش‌های دینی، به‌ویژه نگرش اخلاقی آن، به مسائل جدید زیستی است.

روش کار

این پژوهش با روش تحلیل فلسفی انجام شده است و داده‌های آن از طریق منابع چاپی مانند کتاب، مقاله و منابع اینترنتی از زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی گردآوری شده است. در نگارش مقاله، ضمن تحلیل مفهوم‌های اساسی همچون «دین» و «اخلاق»، تلاش شده است موضوع به صورت مقایسه‌ای، از منظر تفکر فلسفی غربی و اندیشهٔ اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

یافته‌ها

نظریهٔ اخلاق دینی

تاریخ تحولات فکری ادیان دو رویکرد عمده را برای اخلاق دینی به ارث گذاشته است. در عالم اسلام این دو رویکرد به نام دو نحلهٔ بزرگ کلامی، رویکردهای «معتزلی» و «اشعری»، شناخته می‌شوند. نزد معتزله انسان مختار است و افعال خود را از روی اراده و آگاهی انجام می‌دهد. از آنجا که این آگاهی و اراده ضامن اختیار انسان در انجام امور است، می‌توان افعال او را به لحاظ اخلاقی سنجید و آنها را «خوب» (حسن) یا «بد» (قبیح) شمرد. از نظر معتزله مفاهیم اخلاقی مفاهیمی عقلی‌اند و تشخیص اخلاقی یا ضداخلاقی بودن اعمال با عقل انسانی و موازین برآمده از آن میسر است(۲). در سوی مقابل، پیروان ابوالحسن اشعری بر آن‌اند که وجود و شناخت ارزش‌های اخلاقی متکی به امر و ارادهٔ الهی و تعالیم دینی است(۳). مهم‌ترین دلیل اشاعره بر این ادعا آن است که برگرفتن دیدگاه معتزلی موجب محدود شدن توحید و قدرت الهی می‌شود(۴).

دو رویکرد اخلاقی اشاعره و معتزله در جهان اسلام مشابهی نیز در جهان غرب و اخلاق دینیِ مسیحی دارند. اختلاف این دو دیدگاه اغلب با عنوان «نظریهٔ امر الهی در اخلاق»[3] شناخته می‌شود و سابقهٔ آن دست‌کم به محاورهٔ *اثیفرون* افلاطون بازمی‌گردد(۵). الهی‌دانان مسیحی نیز در باب ارتباط اخلاق و الهیات، همچون مسلمانان و تقریباً با همان ادله و روش بحث، دو موضع جداگانه گرفتند. به طورکلی، می‌توان رویکرد نخست را «عقل‌گرا» و رویکرد دوم را «متن‌گرا» نامید، زیرا رویکرد نخست با در نظر داشتن معیارهای عقل‌گرایانه اندیشه‌های الهیاتی- اخلاقی خود را طرح می‌کند، درحالی‌که در رویکرد دوم دیدگاه‌های عقلی کنار گذاشته می‌شوند یا دست‌کم در حاشیه قرار می‌گیرند تا نص دینی مفاهیم و اندیشه‌های الهیاتی و اخلاقی خود را آشکار کند.

در این نوشته، پس از ارزیابی اندیشه‌های الهیاتی و کلامی در مورد علوم و فنّاوری‌های زیستی، دیدگاه اخلاقی متن‌گرا به این مسائل مطرح و به‌طور خاص کاربرد آن دربارهٔ برخی از مسائل مهم اخلاق زیستی نشان داده می‌شود. پیش از آن ضروری است به یاد آوریم که به اقتضای شرایطی اجتماعی و فرهنگی، در این مقاله بیش از ادیان شرقی به ادیان غربی و ابراهیمی می‌پردازیم و در بین این ادیان نیز تعالیم اسلامی را بیش از دیگران مورد توجه قرار می‌دهیم.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

بحث

دیدگاه‌ها

مساعی متفکران دینی را در بررسی مسائل اخلاق زیستی می‌توان به دو رویکرد عمده تقسیم کرد:

رویکرد الهیاتی

رویکرد متن‌گرا.

رویکرد الهیاتی رویکردی است که بیش از هر چیز به بررسی باور دینی می‌پردازد. در این رویکرد، مسائل اخلاق زیستی به مثابه مسائلی الهیاتی بررسی می‌شوند که با کاربرد علوم و فنّاوری‌های نوینِ زیستی پدید می‌آیند، بدین معنا که پیامدهای آنها را در گسترهٔ جهان‌بینی دینی سنجیده می‌شوند. در ادیان ابراهیمی این نگرش پیش نهاده می‌شود که جهان گرچه موجودی مستقل است، در ذات خود وابسته به خداوند و مخلوق او است. به این دلیل، نمی‌توان طبیعت را فارغ از درک وابستگی ذاتی آن به خداوند در نظر گرفت و در آن به دلخواه دست به عمل زد.

اما بزرگ‌ترین مسئلهٔ الهیاتیِ طرح‌شده دربارهٔ فنّاوری‌های نوین زیستی مسئلهٔ «خدایی کردن» یا «بازی کردن در نقش خداوند»[۴] است. مطابق این مسأله، انسان همچون همهٔ مخلوق‌های دیگر در تملک خداوند است. خدا مالک حقیقی هستی و اجزای آن، از جمله جسم و روح انسانی، است و فقط اوست که می‌تواند شیوهٔ درست مواجهه با هستی و همهٔ موجودات آن را معین کند. بنابراین، انسان در اقسام تعامل‌های خود با طبیعت، انسان‌های دیگر و خود باید چنان عمل کند که مورد رضایت خالق و مالک حقیقی اوست. در غیر این صورت، آدمی از فرامین خداوند سر پیچیده و علیه او طغیان کرده است. نظریهٔ امر الهی نیز به مثابه دلیل پشتیبان این دیدگاه مورد استفاده قرار گرفته است. مطابق این نظریه، انسان از تشخیص قواعد و ارزش‌های اخلاقی ناتوان است و به تنهایی نمی‌تواند مصالح و مفاسد خود را بشناسد. وحی الهی عاملی ماورایی است که وجود و شناخت این ارزش‌ها و قواعد را برای انسان ممکن می‌سازد(۶).

رویکرد متن‌گرا به مسائل اخلاق زیستی دربرگیرندهٔ فتاوی و احکامی است که عالمان ادیان برای استفاده از علوم و فنّاوری‌های جدید زیستی صادر کرده‌اند. در اینجا مسائل کلامی و فلسفی کنار نهاده می‌شوند و آنچه به زندگی روزمرهٔ آدمیان و رویه‌های جاری در آن مربوط می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرد. در ادیان شریعت‌محور برنامه‌ای برای سراسر زندگی فرد تدوین شده است و همهٔ اعمال فرد در یکی از فروع این برنامهٔ اصلی قرار می‌گیرند. با فرض صدق این مبنا، تک‌تک اعمال یک مسلمان را می‌توان «واجب»، «مستحب»، «مباح»، «مکروه» یا «حرام» شمرد. احکام فقهی را فقها به منزلهٔ مراجع دینی از متون مربوط استخراج می‌کنند تا مکلفان آنها را در نظر و عمل مراعات کنند. اگر موضوعی در کار باشد که حکمی را نتوان در مورد آن به صورت مستقیم از کتاب و سنت دریافت، می‌توان این منابع را با در نظر گرفتن اصولی چنان تفسیر کرد که حکم آنها شامل موضوع جدید نیز بشود(۷-۱۰).

از لحاظ نظری، رویکرد متن‌گرا به نظریهٔ امر الهی در اخلاق وابسته است، زیرا بر آن است که قواعد و ارزش‌های اخلاقی از ارادهٔ الهی، چنان‌که در کتاب‌های مقدس متجلی شده است، برمی‌آید و این نص کتاب مقدس است که می‌تواند راهنمای انسان در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی باشد. اکنون برای تدقیق بیشتر موضوع مورد بحث، به دو بحث مهم از مباحث اخلاق زیستی می‌پردازیم و، پس از معرفی مجمل آنها، روش رویکرد متن‌گرا را در مواجهه با آنها بررسی می‌کنیم:

۱. اهدای گامت و جنین

اهدای گامت یا جنین از مهم‌ترین فنّاوری‌هایی است که برای درمان برخی بیماران مورد استفاده قرار می‌گیرد اما استفاده از آن موجب طرح برخی مسائل اخلاقی شده است. ادلهٔ مخالفت با اهدای جنین نزد فقهای مسلمان مختلف است. یکی از مهم‌ترین این ادله ضرورت ارتباط پزشک با بیمار و معاینهٔ دستگاه تولید مثل است که به باور برخی فقها مستلزم «لمس و نگاه حرام» است. در صورت صدق عنوان بیماری بر این موضوع، بنابرنظر بسیاری از فقهای متقدم، کشف بدن و اندام‌های جنسی و لمس آنها صرفاً به منظور مداوا و به قدر ضرورت مجاز می‌شود. اما به

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

نظر می‌رسد صدق عنوان بیماری بر ناباروری نزد علمای متأخر مورد تردید است. نتیجه آن است که، در مسئلهٔ تلقیح مصنوعی با گامت‌های اهدایی، به دلیل وجود گامت بیگانه و مناقشه‌های جدی در زمینهٔ چگونگی ارتباط طرفین اهدا با یکدیگر، دامنهٔ مجوزهای شرعی محدودتر و حرمت ارتکاب برخی محرمات به قوت خود باقی خواهد ماند(۱۱). مستند فقها بر این مخالفت برخی آیات قرآن کریم همچون نور ۳۰-۳۱، مومنون ۵-۶، معارج ۲۹-۳۱ و احزاب ۳۵ و روایت‌های دینی است. از متن روایات نیز آشکار می‌شود که دلیل مخالفت با استفاده از فنّاوری-های نوین کمک‌باروری مستند به‌پاره‌ای روایات است که از پیامبر اسلام (ص) یا ائمه در مورد حرمت ترکیب اسپرم و تخمکی به دست رسیده است که زوج یکدیگر نیستند.

دغدغهٔ مهم دیگر در مخالفت با اهدای گامت و جنین، نسب فرزند حاصل از اهداست. نسب در فقه اسلامی منشأ بسیاری از آثار و دعاوی شرعی است. ازاین‌رو، تعیین معیار نسب که غالباً امری زیستی لحاظ شده است، اهمیتی بسیار دارد. مسأله این است که آیا استفاده از گامت یا جنین اهدایی نسب فرزند حاصل از لقاح را بر هم می‌زند یا خیر. اگر حفظ محرمانگی در اهدای گامت/جنین را نیز به لحاظ اخلاقی یا حقوقی ضروری بدانیم،(۱۲) آنگاه می‌توان دریافت که مخالفان چگونه علیه کاربرد این روش‌ها استدلال می‌کنند. از آنجا که گفته شده است یکی از اهداف شرع حفظ نسب است، نامشخص بودن نسب فرزند حاصل از روش‌های کمک‌باروری یا عدم ثبت و محرمانه نگه داشتن هویات طرفین اهدا می‌تواند انگیزه‌ای برای غیرشرعی خواندن آن شود(۱۳و۱۴).

اما به رغم این مخالفت‌ها، برخی فقیهان نیز با تردید در ادلهٔ مخالفان با ادلهٔ فقهی متفاوتی کاربرد روش‌های جدید درمان ناباروری را مجاز دانسته‌اند. آنان تلقیح مصنوعی میان اسپرم و اووسیت بیگانه و برعکس را، بدون آنکه شیوهٔ تلقیح در حکم تأثیری داشته باشد، جایز می‌شمارند. مهم‌ترین دلیل این دسته، تمسک به اصول عملیه و اصل برائت است، زیرا معتقدند دلیل معتبر شرعی بر حرمت این نوع تلقیح وجود ندارد. آنان دلایل نقلی مخالفان از قبیل آیات و روایات مستند در صدور حکم حرمت را از لحاظ سند و مفهوم مورد خدشه قرار می‌دهند.

بنابراین، در صورت فقدان دلیل لفظی، تمسک به اصول عملیه متعین می‌شود(۱۵). افزون بر این، گفته شده است که ناباروری گونه‌ای بیماری است و می‌توان آن را در زمرهٔ مواردی قرار داد که به‌طور موقت و اضطراری موجب اسقاط احکام اولیهٔ حرمت می‌شوند.

۲. حوزهٔ گیاهی و جانوری

گرچه اخلاق زیستی دانشی عمدتاً انسانی است و به‌طور خاص با مسائلی در حوزهٔ حیات انسانی سر و کار دارد، نمی‌توان زندگی انسان را از محیط زیست او و پدیده‌هایی مجزا کرد که در این محیط وجود دارند. در حوزهٔ گیاهی مسائلی مانند از بین بردن گیاهان و تنوع زیستی، محصولات دستکاری‌شدهٔ ژنتیک و حقوق مصرف‌کننده از جمله مسائلی هستند که منظر اخلاق زیستی باید مورد توجه قرار گیرد. در مورد حیوانات نیز مسألهٔ انقراض برخی گونه‌ها، پژوهش و آزمایش بر حیوانات، استفاده از سلول‌ها یا اعضای بدن آنها و شبیه‌سازی حیوانات روز به روز اهمیت خود را بیش از گذشته نشان می‌دهند و بر برخی مسائل اخلاقی پیشین چون استفاده از محصولات حیوانی یا پوست و گوشت آنها افزوده می‌شوند. آنچه در اینجا به طور خاص در مد نظر است استفاده‌های انسانی از حیوانات، به ویژه در پژوهش‌های زیستی و درمان‌های پزشکی، است. خطر انقراض برخی گونه‌های حیوانی را نیز می‌توان در ذیل مشکل به خطر افتادن تنوع زیستی گنجاند که در چارچوب «اخلاق زیست-محیطی»[۵] بدان پرداخته می‌شود(۱۶).

به نظر می‌رسد در مورد حوزهٔ گیاهی و جانوری، بیش از رویکرد متن‌گرا، رویکرد الهیاتی پی گرفته شده است. تأکید بر قداست طبیعت، نگاه به طبیعت و موجودات طبیعی به مثابه مخلوقات ارزشمند خداوند یا امانت‌داری انسان نسبت به طبیعت از جمله نگرش‌های الهیاتی قابل توجه در این زمینه‌اند. به نظر می‌رسد در ادیان شریعت‌مدار نیز رویکرد متن‌گرایانه در زمینهٔ مسائل زیست‌محیطی و موجودات طبیعی به توصیه‌های اخلاقی و تأکید بر آموزه‌های الهیاتی اکتفا کرده است.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

ارزیابی دیدگاه‌ها

نگرش الهیاتی علوم و فنّاوری‌های نوین زیستی را به‌جد می‌گیرد. با توجه به نفوذ دین و علمای ادیان در برخی جوامع، رویکرد الهیاتی به مسائل زیستی می‌تواند اهمیت این مسائل را در نزد افکار عمومی بیشتر کند. افزون بر این، ادیان و باورهای دینی به طور سنتی پشتوانه و ضمانت اجرای اخلاق تلقی شده‌اند. بر این اساس باورهای الهیاتی می‌توانند اعمال انسانی را در زمینه‌های زیستی اخلاقی‌تر کنند. اما در کنار مزایای یاد شده، هم در نظر و هم در عمل دشواری‌هایی در مورد این رویکرد پدیدار شده است. بزرگترین دشواری تفاوت دعاویِ متألهان در سنت‌های دینی مختلف است. حتی در یک دین خاص نیز بر سر تفسیر مفاهیم اساسی و فهم آن‌ها اختلاف‌هایی بزرگ وجود دارد. این تعارض‌ها موجب تشتت در نگرش الهیاتی و سرگردانی در عمل شده است. بنابراین، نگرش الهیاتی نمی‌تواند به‌تنهایی اخلاق زیستی را کفایت کند و اختلاف‌های الهیاتی و اخلاقی را فیصله بخشد، چرا که اگر چنین بود جوامع دینی در حل این مسائل دچار مشکل نمی‌شدند، اما آشکار است که جوامع دینی نیز همچون جوامع غیردینی با مسائل اخلاق زیستی مواجه‌اند. پس در عمل نیازمند مباحث اخلاقی و نظری مستقلی هستیم که بتواند راهنمایی موجه و سازگار برای ذهن بشری در مواجهه با علوم و فنون زیستی باشد.

چنانکه گفته شد، رویکرد متن‌گرا به مسائل اخلاق زیستی، به‌ویژه از طریق نظریهٔ امر الهی، تا حد زیادی به رویکرد الهیاتی وابسته است. نتیجهٔ برگرفتن این رویکرد رسیدن به احکام و مواضعی قاطع است که افعال انسانی را در پژوهش‌ها و درمان‌های زیستی و پزشکی ضبط و مهار می‌کند. همچنین، احکامی اخلاقی یا فقهی که از طریق مراجع دینی در دسترس مخاطبان و مقلدان قرار می‌گیرند، از یک مزیت بزرگ اخلاق دینی بهره می‌برند و آن ضمانت دینی و الهی آن احکام است. عموم مؤمنان معتقدند نظام جهان اخلاقی است و افعال آنها به گونه‌ای موجب پاداش و جزا واقع می‌شود(۱۷-۲۰). بر این اساس، آنان پشتوانه‌ی روان‌شناختی[۶] و انگیزشی[۷] مناسبی را در مورد افعال اخلاقی خود در اختیار دارند(۲۱و۲۲). اجتهاد نیز یک امکان بزرگ و فرصت مناسب برای سازگار ساختن احکام دینی با معارف توصیفی و هنجاری جدید است.

با این حال، رویکرد متن‌گرا نیز دچار مسائل و مشکلاتی است. یک مشکل بزرگ رویکرد متن‌گرا طرز تلقی آن از مفاهیم، ارزش‌ها و قواعد اخلاقی است. پیشتر نشان داده شد که رویکرد متن‌گرا به لحاظ نظری به «نظریه‌ی امر الهی» وابسته است. پرسش این است که آیا می‌توان این بنیاد نظری را موجه و درست شمرد. از رهگذر نقد نظریهٔ امر الهی آشکار می‌شود که تلقی الهیاتی از بنیاد اخلاق نه فقط خود موجه نیست بلکه متن‌گرایی را نیز ناموجه می‌سازد.

به‌طورکلی، نقدهایی بنیادین بر نظریهٔ امر الهی وارد شده است:

۱. اطاعت از هر مرجعیتی در ابتدا نیازمند دلیل اخلاقیِ پیشین برای آن اطاعت است. این دلیل نمی‌تواند خود از آن مرجعیت گرفته شود، زیرا پرسش اصلی دربارهٔ وضعیت اخلاقیِ برگرفتن باورها با استناد به فرامین همان مرجعیت است(۲۳). بازگشت به امر الهی برای توضیح ضرورت اخلاقی اطاعت از امر الهی فرض گرفتن نتیجه در مقدمات و گونه‌ای مغالطه‌ی مصادره به مطلوب[۸] است.

۲. برخی فیلسوفان اخلاق نشان داده‌اند که وابستگی معناشناختی یا وجودشناختی مفاهیم اخلاقی به اراده و امر الهی آنها را بی‌معنا می‌کند. مطابق نظریهٔ امر الهی، امر الهی علتی برای خوب بودن یا اخلاقی بودن است. اگر این نظریه پذیرفته شود، آنگاه گزاره‌ای مانند «الف خوب است»، در واقع به این معنا است که «الف امر الهی است» یا «امر خدا علت خوبی الف است». اگر این مدعای اساسی خداباوران را که «خدا به خوبی امر می‌کند» تحلیل کنیم، درمی‌یابیم که معنایی جز «خدا به امر خود امر می‌کند» ندارد. آشکار است که این گزاره دربردارندهٔ هیچ گونه معنای ترکیبی نیست و محمول گزاره فقط موضوع آن را تکرار کرده است(۲۴).

پس نظریهٔ امر الهی نمی‌تواند استدلالی به سود ابتنای اخلاق بر دین و تحویل احکام اخلاقی به احکام شرعی فراهم کند. امر اخلاقی مستقل از امر دینی است، گرچه می‌تواند تعارضی با آن نداشته باشد. اخلاق مستقل از دین است، ولی البته دین می‌تواند پشتوانه‌ای برای اخلاق باشد(۲۵). همچنین، اجتهاد به مثابه نظام دستیابی به احکام شرعی برای مسائل جدید

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

جز با فرض استقلال اخلاق از دین بی‌معنا خواهد بود. تلاش برای به دست آوردن احکام موجه دینی برای مسائل جدید اجتماعی با در نظرگرفتن شرایطی فرهنگی، اجتماعی و انسانی که در آن، حکم تازه عرضه می‌شود مقدور است. اگر بنا بر آن باشد که همان احکام پیشین عرضه گردد، اجتهادی رخ نداده است، زیرا اجتهاد مستلزم تغییر در احکام پیشین یا کشف حکم جدید برای مسأله‌ای جدید است. این تغییر یا کشف حکم بدان دلیل روی می‌دهد که شرایط اجتماعی، علمی، فرهنگی و انسانی دستخوش تغییر شده است و حکم جدید باید حکمی سازگار با این شرایط باشد به گونه‌ای که بتواند بیشترین میزان از فعل اخلاقی را سبب شود یا روابط انسانی را به سطحی عادلانه ارتقا دهد. اگر قرار بود این مفاهیم خود دینی و شرعی باشند، نیازی به تغییر حکم پدید نمی‌آمد و همان حکم پیشین در ذات خود عادلانه و درست فرض می‌شد. حکم اجتهادی در پی تحقق اخلاق و عدالت است.

بدین‌ترتیب، آشکار است که اخلاق دینی، به معنای «اخلاق مبتنی بر دین یا نظام الهیاتی» و «اخلاقِ تحویل‌شده به شریعت» و نه به معنای «احکام اخلاقی مستقل یک دین که به روایتی دینی مستند شده‌اند»، در زمینهٔ مسائل زیستی دچار دو کاستی بزرگ است: «فقدان احکام» و «تعارض احکام». جبران این دو کاستی و نجات اجتهاد به مثابه تلاش عقلانی برای روزامد ساختن احکام شریعت جز با تغییر یک فرض اساسی میسر نیست. اخلاق دینی موجه‌ترین معنا و کارامدترین وضعیت خود را در تصدیق استقلال اخلاق از دین می‌یابد.

نگاهی دوباره به مسائل اخلاق زیستی

با در نظر گرفتن نقدهای بالا می‌توان به ارزیابی دوبارهٔ دو مسئلهٔ اساسیِ یاد شده پرداخت. این ارزیابی مبتنی بر جانبداری از یکی از طرفین نزاع و مناقشه دربارهٔ این مسائل نیست. موضوع بر سر مبنای صدور حکم برای مسائل زیستی است؛ موافقت یا مخالفت مهم نیست بلکه شیوهٔ مواجهه با این مسائل و استنتاج و صدور احکام مورد نظر است.

رویکرد الهیاتی تا حدی توانسته است اقتضای استدلال و توجیه عقلانی را برآورد. در آنجا که این رویکرد خود را ملتزم پاسخگویی به نقد و نقض‌های عقلانی می‌داند، مباحثه‌ای عقلانی را آغاز می‌کند که بنیاد آن بر استدلال و نقادی به گونه‌ای است که منظر الهیاتی به مسائل زیستی را تقویت کند. بحث از ضرورت مواجههٔ محتاطانه با طبیعت و امور طبیعی به آن علت که مخلوق خداوند و ارزشمند است، بحث از حدود قدرت انسانی و دستکاری او در امور و اصولاً جدی گرفتن مسائل زیستی و پزشکی نوین همگی مباحثه‌هایی مستدل و عقلانی‌اند. رویکرد الهیاتی خود نیز از مباحث عقلانی متأثر شده است، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد امروزه ادلهٔ مورد استفادهٔ متألهان در بررسی مسائل زیستی و پزشکی تفاوت چندانی با ادلهٔ فیلسوفان یا عالمانی ندارد که به باور یا (نظامی) دینی ملتزم نیستند(۲۶).

اما رویکرد متن‌گرا وضعیتی دیگر دارد. اگر این رویکرد پیش‌فرض ابتنای اخلاق بر دین یا شریعت را فرونهد و همچنین، برای حل مسائل اخلاقی برآمده از علوم و فنّاوری‌های زیستی و پزشکی فقط از روشی متن‌محور و شریعت‌محور بی‌اتکا به توجیه اخلاقی استفاده کند، نمی‌تواند نگرشی اصالتاً اخلاقی را پرورش دهد. این همان رویهٔ کنونی است که فضا را برای بحث اخلاقی از مسائل علوم زیستی در جوامع اسلامی تنگ کرده است. نگاهی دوباره به فتاوی و استفتاها در مورد اهدای گامت/ جنین نشان می‌دهد که این فتاوی فقط به مسائل فقهی توجه دارند، در حالی که متخصصان اخلاق و الهیات چندین مسألهٔ اخلاقی عمده را در مورد اهدای گامت/ جنین یادآور شده‌اند. برای نمونه، «تغییر در طبیعت»، «نقض کرامت انسانی»، «تغییر در خلق خداوند»، «امکان سوء استفاده»، «رضایت آگاهانه»،[۹] «غربال گیرندگان و دهندگان گامت/ جنین»، «تجاری شدن فرایند اهدا»، «تعارض منافع»، «محرمانگی»[۱۰] و «وضعیت رویان‌های اضافی در فرایند اهدا» از مسائل اخلاقی مهمی هستند که هرگز نمی‌توان بی‌توجه به آنها چنین پدیدهٔ مناقشه-برانگیزی را به سادگی مجاز یا ممنوع اعلام کرد(۲۷). افزون بر این، باید در شیوهٔ خوانش روایت‌ها و متون مقدس نیز از نگرش عقلانی در تفسیر بهره گرفت و به درک ظاهری این متون اکتفا نکرد.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

پیش از این اشاره شد که بحث شرعی دربارهٔ مسائل اخلاقی در حوزهٔ گیاهی و حیوانی کم‌یاب است. این خود مؤید تحلیلی است که پیشتر از فقدان احکام اولیه در زمینه‌های زیستی ارائه شد. با این حال، این نقص را می‌توان با جدی گرفتن دیدگاه‌های اخلاقی در حوزهٔ گیاهی و حیوانی جبران کرد. اگر بتوان یک دیدگاه اخلاقی موجه را در این حوزه برگرفت، آنگاه زمینه‌ای مناسب برای صدور احکام در مورد آن نیز فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری

بحث اخلاقی شامل «فلسفهٔ اخلاق»، «علم اخلاق» و «اخلاق» است. فلسفهٔ اخلاق به بنیاد عقلانی و تحلیل مفهومی مفاهیم و نظریه‌های اخلاقی می‌پردازد. آشکار است که در این سطح از مباحث اخلاقی ارتباطی بین اخلاق زیستی و دین وجود ندارد. در سطح علم اخلاق نیز ارتباطی بین اخلاق زیستی و دین وجود ندارد، زیرا مباحث علم اخلاق نیز که در قالب نظریه‌های اخلاقی، همچون وظیفه‌گرایی[11] و سودگرایی[12] متجلی می‌شود، به طور کامل به کمک تحلیل‌های عقلانی طرح می‌شود و ادلهٔ نقلی در آن راه ندارد. اما در نخستین و ظاهری‌ترین سطح اخلاق، یعنی اخلاق متعارف که با آن چیزی سر و کار دارد که از منظر اخلاقی در جامعه می‌گذرد، اخلاق زیستی با دین پیوند می‌خورد.

اخلاق زیستی خود یکی از مظاهر اخلاق است بدین معنا که مسائل آن در سطح زندگی فردی و اجتماعی افراد رخ می‌نماید و احکامی مرتبه اولی را اقتضا می‌کند. از سوی دیگر، قواعد و احکام فقهی نیز در همین سطح ظاهر می‌شوند و زندگی روزانهٔ متدینان را هدایت می‌کنند. در این سطح است که اخلاق زیستی می‌تواند زیر نفوذ احکام و اصول شرعی قرار گیرد. اما، چنانکه گفته آمد، احکام شرعی دربارهٔ مسائل زیستی دستخوش دو مشکل «فقدان» و «تعارض»اند. در نگرش دینی به مسائل اخلاق زیستی غالباً فقط رویکرد عملی برگرفته و بررسی اخلاقی و الهیاتی این مسائل به طور ناموجه به تجویز حکمی از احکام پنج‌گانه فروکاسته می‌شود. در این نگرش، بحث از مصلحت، خودآیینی[13]، خیررسانی، حقوق افراد و توازن این عناصر مؤثر در صدور حکم فراموش می‌شود و جای آن را گفتمانی تکلیف‌محور مبتنی بر ظواهر متون دینی می‌گیرد. به این ترتیب، در این رویکرد، سطوح متفاوت بحث اخلاقی، یعنی اخلاق (بایدهای مرتبه اولی اخلاقی)، نظریهٔ اخلاقی و فلسفهٔ اخلاق در هم می‌آمیزند.

رویکرد عملی- فقهی به مسائل اخلاق زیستی تنها در سطح باید و نبایدهای مرتبه اولی اخلاق ممکن است. در این سطح است که دستورالعمل‌های اخلاق دینیِ رایج میان دینداران در زمینهٔ اخلاق زیستی می‌تواند در کنار دستورالعمل‌های عرفی دربارهٔ آن قرار گیرد و سنجیده شود. اما توجیه عقلانی این دستورالعمل‌ها در سطح نظریهٔ اخلاقی و فلسفهٔ اخلاق صورت می‌گیرد که مستقل می‌نماید(۲۸). افزون بر این، همواره باید در نظر داشت که اخلاق زیستی زیرشاخهٔ علم اخلاق، نه فقه، است. احکام شرعی در حوزهٔ مسائل زیستی می‌توانند با وجههٔ نظر قرار دادن اخلاق و عدالت صادر شوند. این احکام، هم اخلاقی و عادلانه و هم مستند به تعالیم دینی خواهند بود(۲۹).

واژه نامه

اخلاق کاربردی	1. Applied Ethics
اخلاق زیستی	2. Bioethics
نظریهٔ امر الهی	3. Divine Command Theory
بازی کردن در نقش خداوند	4. Playing God
اخلاق زیست‌محیطی	5. Environmental Ethics
روانشناختی	6. Psychological
انگیزشی	7. Emotive
مغالطهٔ مصادره به مطلوب	8. Begging the question Fallacy
رضایت آگاهانه	9. Informed Consent
محرمانگی	10. Confidentiality
وظیفه‌گرایی	11. Deontologism
سودگرایی	12. Utilitarianism
خودآیینی	13. Autonomy

منابع

۱. شهریاری حمید. *فلسفهٔ اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر*. چاپ اول، سمت، تهران، ۱۳۸۵ و ملکیان مصطفی. *آرای اخلاقی و سیاسی مک‌اینتایر*. چاپ اول، بقعه، تهران، ۱۳۷۹.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

۲. بوعمران. مسئلهٔ اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن. ترجمهٔ اسماعیل سعادت. چاپ اول، هرمس، تهران، ۱۳۸۲: ۲۷۸.

۳. عبدالحی ا.ک.م. مذهب اشعری. ترجمهٔ غلامعلی حدادعادل. در: شریف میان‌محمد: *تاریخ فلسفه در اسلام*. ترجمه زیر نظر نصرالله پورجوادی. چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹: ۳۱۵–۳۲۰.

۴. پاکتچی احمد. اشاعره. در: موسوی بجنوردی محمدکاظم: *دایره المعارف بزرگ اسلامی*. چاپ اول، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷: ۷۳۶–۷۳۸.

۵. افلاطون. *اثوفرون*. در *دورهٔ آثار افلاطون*. ترجمهٔ محمدحسن لطفی و رضا کاویانی. چاپ سوم، خوارزمی، تهران،۱۳۸۰: ج ۱.

۶. برگ جاناتان. پی‌ریزی اخلاق بر مبنای دین. ترجمهٔ محسن جوادی. *نقد و نظر*. ۱۳۷۷–۱۳۷۶، شماره‌های ۱ و ۲: ۲۱۳–۲۱۲.

7. Atighetchi D (2007). *Islamic Bioethics: Problems and Perspectives*. Naple. Springer. pp: 6-7.

8. Hallaq W B (2001). *Authority, Continuity and Change in Islamic Law*. Cambridge. Cambridge University Press.

9. Hallaq W B (2005). *The Origins and Evolution of Islamic Law*. Cambridge. Cambridge University Press.

10. Novak D (2004). Bioethics in Judaism. In: *Encyclopedia of Bioethics* (Ed. Stephen G. Post). New York. Macmillan. 3rd edition. V.1. pp: 1346–1347.

۱۱. سلیمی طاهره. *اهدای نطفه (گامت) و آثار شرعی آن*. رسالهٔ دکتری در رشتهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۹: ص ۶۱.

12. Sachedina A (2009). *Islamic Biomedical Ethics*. Oxford. Oxford University Press. pp: 103& 106-107.

۱۳. راسخ محمد، خداپرست امیرحسین. حق بر شناخت پدر و مادر بیولوژیک؟. *مجلهٔ پزشکی باروری و ناباروری*. ۱۳۸۶، شماره ۳: ۲۴۷–۲۵۸.

۱۴. عبدالله‌زاده آزاده، میلانی فر علیرضا، بهجتی اردکانی زهره. محرمانگی در درمان ناباروری. *پایش*. ۱۳۸۶، شماره ۴: ۳۶۳–۳۵۵.

۱۵. حرم‌پناهی محسن، تلقیح مصنوعی. در: مجموعه‌ی نویسندگان، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. چاپ دوم، سمت، تهران، ۱۳۸۲: ۸۵–۱۱۳.

16. Nash R F (1989). *The Rights of Nature*. Washington. University of Washington Press. pp: 55-86.

۱۷. گرین رونالد م. اخلاق و دین. ترجمهٔ صادق لاریجانی. در: الیاده، میرچا (ویراستار). *فرهنگ و دین*. ترجمه زیر نظر بهاءالدین خرمشاهی. چاپ اول، طرح نو، تهران، ۱۳۷۴: ۳۷–۳۸ .

18. Craig W L. The Indispensability of Theological Meta-Ethics Foundations for Morality. Available at: citedhttp://www.leaderu.com/offices/billcraig/docs/meta-eth.html. Accessed: 27 june 2011.

19. Oppy G (2006). *Arguing about Gods*. Cambridge. Cambridge University Press. pp: 353 & 368.

۲۰. استیس والتر ترنس. *دین و نگرش نوین*. ترجمهٔ احمدرضا جلیلی. چاپ دوم، حکمت، تهران، ۱۳۸۱: ۵۴–۸۵.

21. Jones G, Cardinal D, Hayward J (2005). *Philosophy of Religion*. London. Hodder Murray. p: 147.

22. Owen H P (1965). *The Moral Argument for Christian Theism*. London. George Allen and Unwin. pp: 43-46.

23. Rachels James (2003), *The Elements of Moral Philosophy*. London. McGraw- Hill. P. 50-53.

24. Palmer M (2002): *The Question of God*. London. Routledge. pp: 255.

۲۵. خداپرست امیرحسین. *بررسی استدلال اخلاقی بر وجود خداوند*. رسالهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ فلسفه. تهران، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸: ۱۰۹–۱۱۱.

26. Evans J H (2010). Science, Bioethics and Religion. In: Harrison Peter (ed.), *Cambridge Companion to Science and Religion*. Cambridge. Cambridge University Press. p: 211.

۲۷. خداپرست امیرحسین، شریفی ساناز، میلانی‌فر علیرضا، بهجتی اردکانی زهره. مسائل اخلاقی اهدای جنین. *مجلهٔ پزشکی باروری و ناباروری*. ۱۳۹۰، شماره ۲: ۱۳۱–۱۴۳.

۲۸. راسخ محمد، خداپرست امیرحسین. اخلاق زیستی و دین: بررسی نظری. در *دهمین اجلاس آسیایی اخلاق زیستی و چهارمین نشست آسیایی- اقیانوسیه‌ی یونسکو در حوزهٔ اخلاق*، مرکز

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی تهـران. تهران، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۵.

۲۹. یوسفی محمدامین. *نگرش مقاصدی در فقه و ارزیابی توان آن در ارائهٔ نظریهٔ فلسفهٔ حقوق اسلامی*. پایـان‌نامـهٔ کارشناسـی ارشـد حقوق عمومی، تهران. دانشکدهٔ حقـوق دانـشگاه شـهید بهـشتی، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7] [Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1391.7.4.1.7] [Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-10-30]